



5 Secrets of the Crystal Heart

شاکهای

مثل صدای شکستن
شیشه است...

...ولی این صدای
نعره های هیولاست.

با تمام قدرت
بهش ضربه زدم...

...ولی حتی ترک
هم برنداشت.

شاید از جنس
کریستال باشه...

...ولی از اونیه که فکر
می کردم قویتر هستند.

واقعاً از چی
ساخته شدن؟

یشم
سفید؟

یه دو جین از اونها
دارن از بالای اون برج
سرازیر می شن.

نمی دونم چطور باید
شکستشون بدم.

...ولی اونها دارن به
شهر من حمله
می کنند...

...پس بهتره زودتر
این موضوع رو حل
کنم!

SHING

شمشیر!

شمشیری از جنس
باد می سازم...

...با لبه هایی
خیلی نازک که
بتونه تو شکاف ها
نفوذ کنه...

KRAAN

SHIIING

حالا شبیه به
چیزی شد!

SHING
SHING

FTOOSH

RIING
RIING

هاه؟

بذار زنگ بخوره. هر کی
هست می تونه منتظر
بمونه.

RIING
RIING

SWOOSH

همه کارها رو نمی شه
با هم انجام داد...

ها!

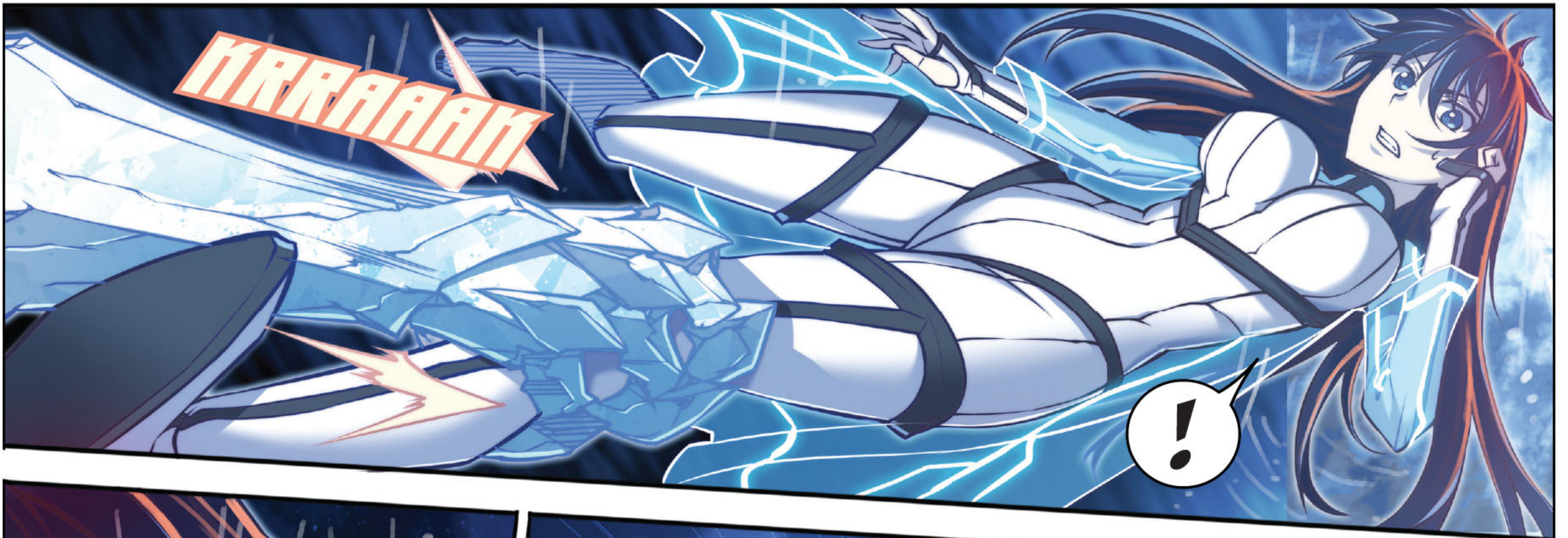
...شایدیم
پشه؟



RING
RING

الو؟

مامان؟



KRRRAAAK

!



آره، خوبم!

همه چیز عالی!

WHOOOOSH



نه،
زیاد کار
نمی کنم.

SHRAAAANOOOOOM



THUMP

ننن!

SHAROOOOOOO

چی؟
زو یو؟

آره،
حالش
خوبه.



KRAAANOOOOOM

نمی دونم
مامان!

گفتم... که
الان علاقه ای ندارم
در باره این چیزا صحبت
کنم. خیلی کار...



KRRRNNNN

نه،
نمی دونستم که
دختر خانم چون ازدواج
کرده.

لطفاً از طرف
من بهشون تبریک
بگو.

FTOONNNNNNNNNNNNNNNNNNN

آره، مامان.

من سه سال
ازش بزرگترم.

خوب، فوق العاده
است، و این عالیه که اون
انتخاب هایی کرد که برایش
خوب بودند. مثل من که
انتخاب هم برام خوبند.



چی؟
نه،
شوخیم نگرفته.
ن فقط ...

مامان، فکر کنم
پارازیت رو خط
می افته.



متأسفم، من
نمی تونم صداتو
بشنوم!



بعداً بہت
زنگ می زوم،
باشہ؟

آرہ، قول
می دم!



KRRRAAK

KRAAK

عالی شد.

یا مادرم خفہ ام
می کنہ...



...یا این
ھیولاہا.

گاہ!



خیلی
سنگینہ!

دارن سعی
می کنن منو
بکشن پایین!

صبر کن...

...اگه بتونم تا جایی
که می شه هوای
اطراف رو فشرده
کنم...

و
بعد...

SHIAAAAKKOOOOO!

رهایی!



ها!

SPLAASH

پس نمی تونن پرواز کنند...

...یا شنا کنند!

نفس
نفس



خیلی خسته ام...

...ولی باید به فکری به حال این برج بکنم...

...کی اونو ساخته...

...و چرا؟



همم!

دورنامه
dorname.ir



اون منار مخروطی...



...داره می لرزه، ولی لرزشش خیلی کمه...



آره...

...این په تیګه
جداست...

...
نمی دونم...



POH



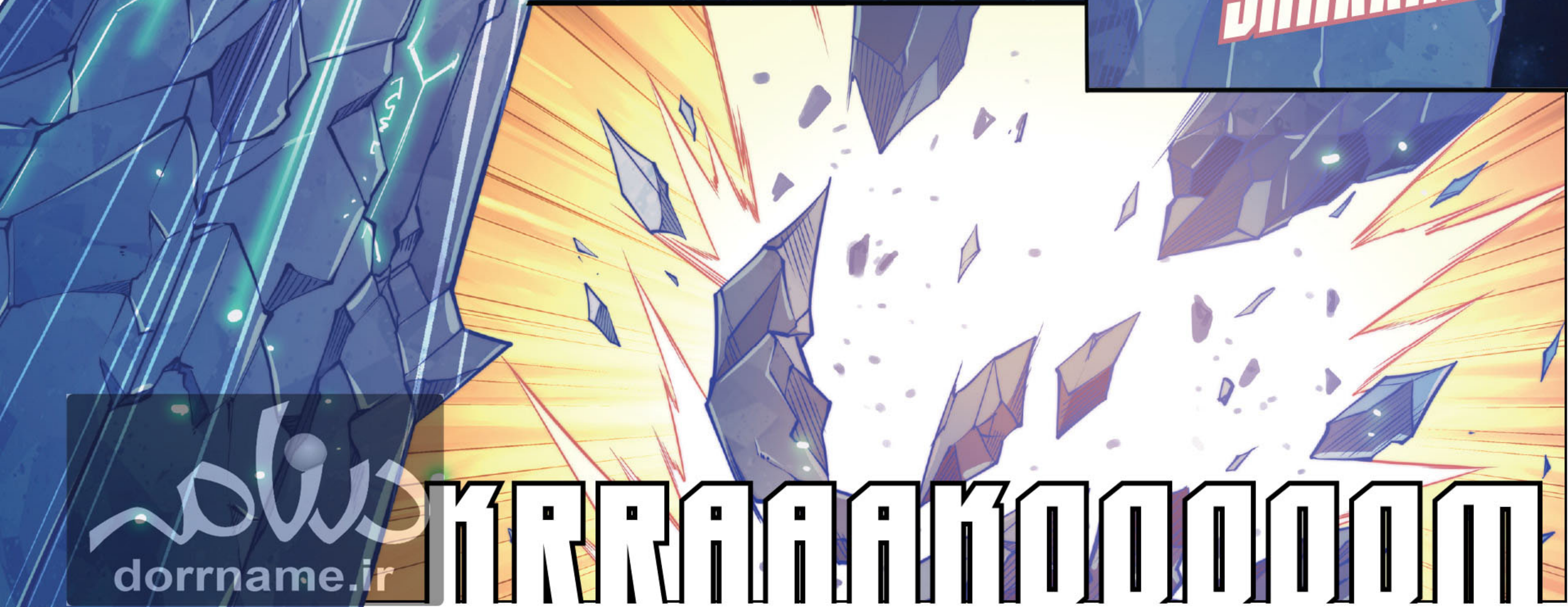
صبر کن ببینم، این
بی معنییه...



SKRRRAANK

KRAANK

SKRRRAANK



KRRRAANKOOOOOM



...یه تکه از اونو
بکش...

...همش
می ریزه؟

...اینقدر مسخره است
که به نظر مثل یه
طرح نیست!

باید عوامل
بیشتری دخیل
باشند...



..ولی آرامش الان همه
جا حکمفرما شده.

هیچ ارتعاش غیرعادی
در آب دیده نمی شه.

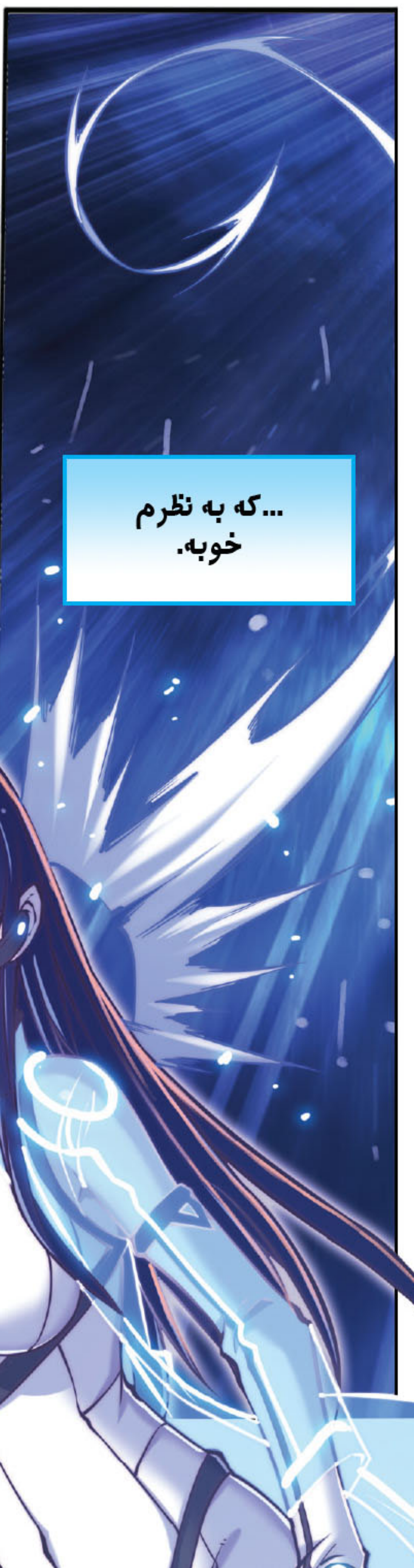
انگار وقتی برج سقوط
کرد، حیات کاملاً از اون
یشم سفید جدا شد.



صدای صحبت ها و
خنده های مسافرهای کشتی ها
رو دارم می شنوم...

...کسانی رو که
دوست دارن
صدا می زنند...

...برگشتند سر
زندگیشون...



...که به نظرم
خوبه.

WHOOOOOOOOOSH



TOR



SHHHHHHHHH

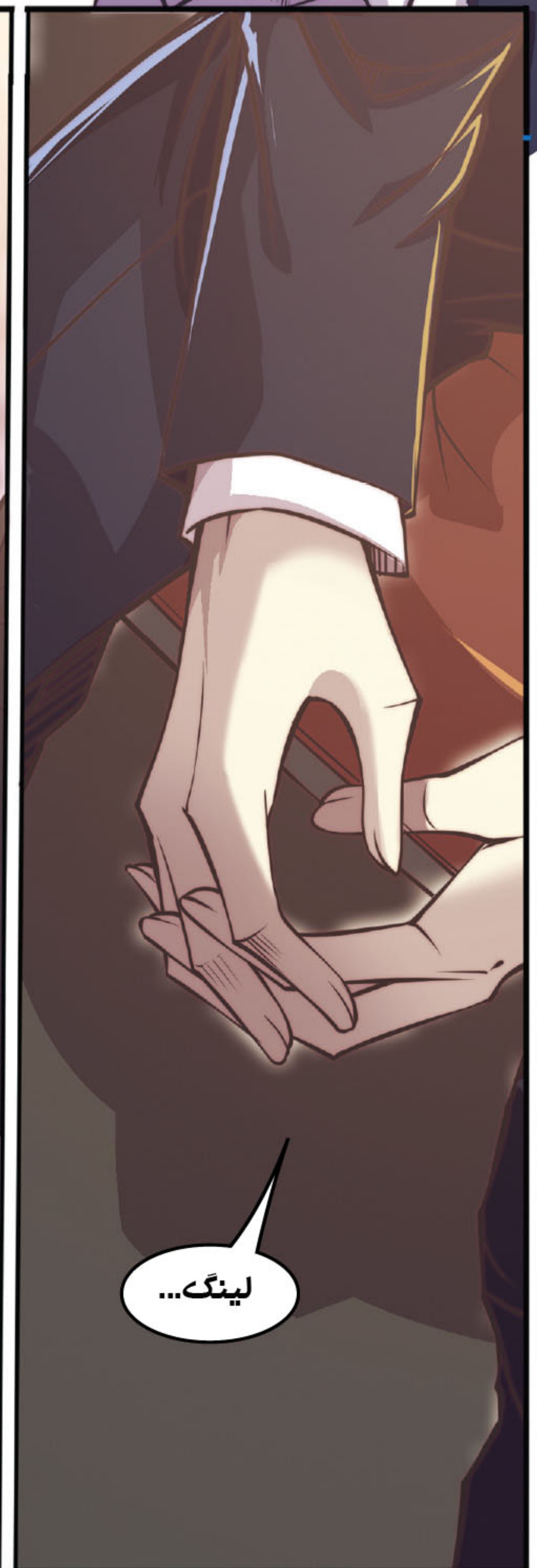
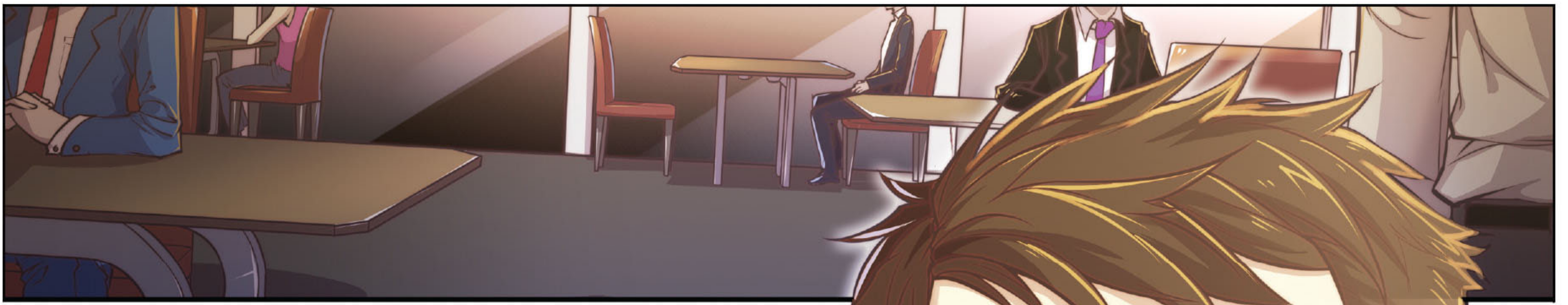


هیوو!

شب
بزرگی بود.

مبارزه ای
بزرگ.

الان دوباره گرسنه
شدم!





چیہ؟

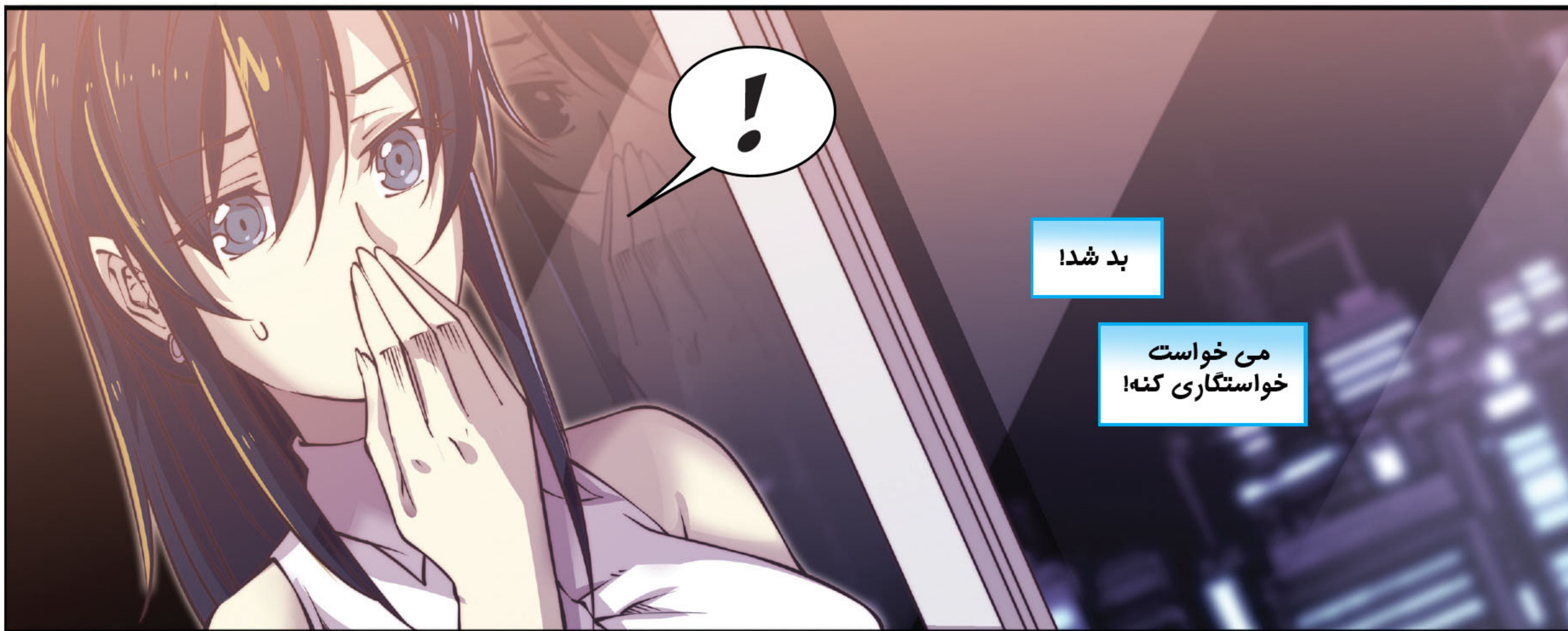
دوباره اون حالت
غمگین رو به
چهره داره.

خیلی جدیه.



خوبه. بذار به اون توجه
کنیم و سؤال هایی که
درباره کجا بودن منه
منحرف کنیم.

کجا بودیم؟
می خواستی
یه چیز مهم بهم
بگی...



!

بد شد!

می خواست
خواستگاری کنه!



لینک...

اوه نه.

برای این کار
آماده نیستم.

زو یو، تو
نباید...



گارسون!
می تونیم به منو
دسر به نگاهی
بندازیم؟

ما...
هنوز پیش غذا
نخوردیم.

اوه!
درسته!
ها ها!

لینک...



...تو ایرو هستی؟

آه،
زو یو ...

...هر چی باشه
می دونی چطور قلب
منو به تپش بندازی.



این سناریو رو
میلیون ها بار تصور کردم.

و من همیشه فکر
می کردم یه جواب
شفاف بهت بدهکارم...

...آره.



ولی الان تردید
دارم.

این تعداد از
مردم...

...تو خطرند...

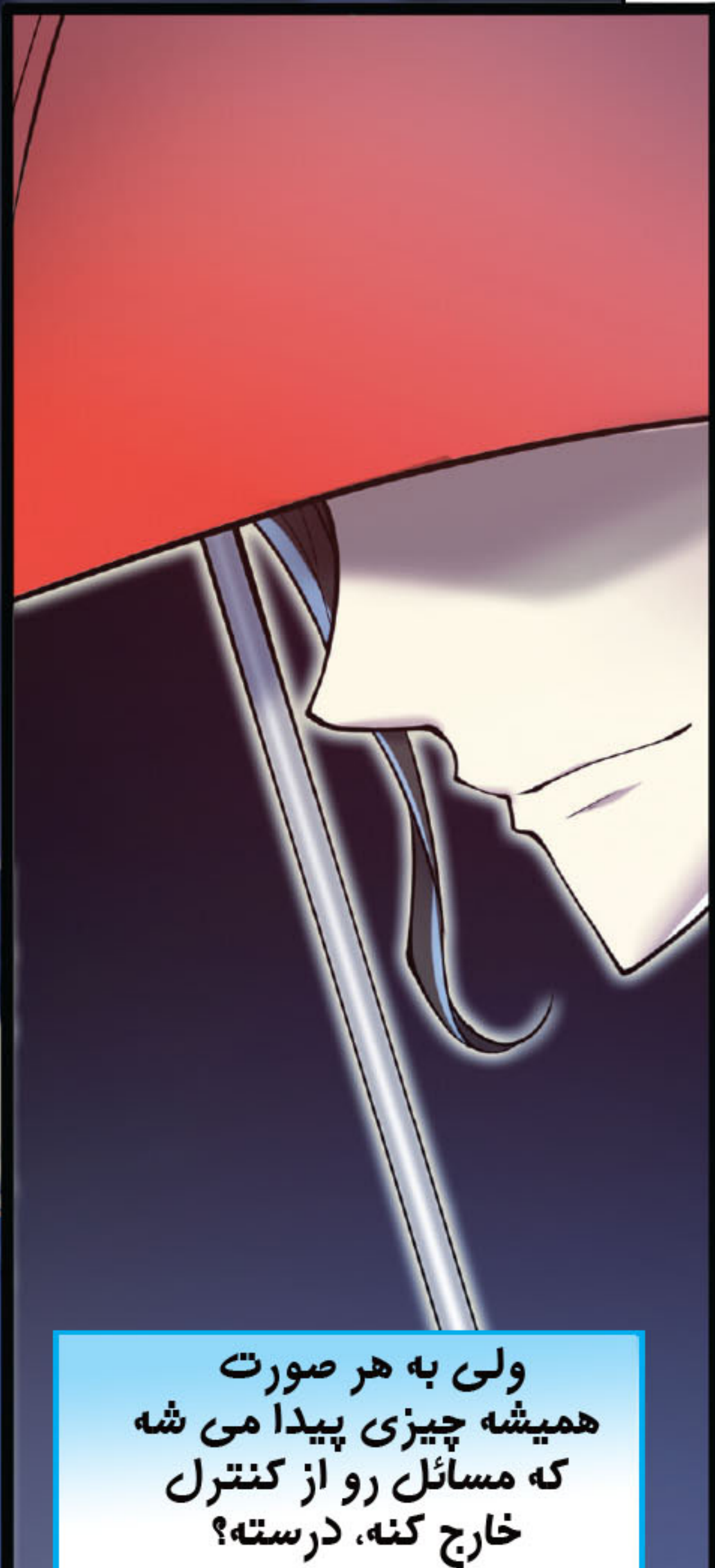
اگه حقیقت رو بدونی
چه خطری ممکنه متوج
تو بشه؟



یا اینکه این
فقط یه
بجانه است؟

شاید فقط دارم
از خودم محافظت
می کنم...

... و سعی می کنم
بخشی از موازنه ای که
تو زندگیم باقی مونده،
حفظ کنم.



ولی به هر صورت
همیشه چیزی پیدا می شه
که مسائل رو از کنترل
خارج کنه، درسته؟



چتر
قشنگیه بانو.
از کجا
می دونستید
قراره بارون
بیاد؟

اوه...

...من همیشه برای
طوفان آمادگی
دارم.